

گفت‌وگوی صبا با عبدالحسین مختاباد، خواننده موسیقی اصیل ایرانی

تولید آثار فاخر، هنرمندان فاخر می‌خواهد

عبدالحسین مختاباد یکی از خوانندگان پیشکسوت موسیقی معاصر است. او از سال‌های گذشته تا امروز به انتشار آلبوم‌های متعددی پرداخته و کنسرت‌های زیادی را برگزار کرده است. بعد از پنج سال دوری از صحنه، این هنرمندی روزهای گذشته با کنسرت «در رهگذارت» به همراه ارکستر ملی و به رهبری همایون رحیمیان در تالار وحدت روی صحنه رفت و قطعات مختلفی از جمله برخی از آثار خاطره‌انگیزی که در دهه‌های پیش خوانده بود را برای مردم اجرا کرد. خبرنگار صبا به همین بهانه با این هنرمند درباره شرایط فعلی موسیقی اصیل ایرانی به گفت‌وگو نشست است که در ادامه می‌خوانید.

آزاده صالحی
گفت‌وگو

نام فاجعه را به برخی از این آثار اطلاق کرد. اما این که چطور چنین موسیقی نازل و بی‌کیفیتی در حال حاضر فضای موسیقی کشور را تحت سیطره خود در آورده جای تعجب و سوال دارد و منتقدین زمانه ما هستند که باید پاسخی برای چرایی بروز این مشکل پیدا کنند. موسیقی اصیل ایرانی دارای پیشینه طولانی و درخشانی است ولی امروز رسماً به حاشیه رانده شده و اگر دلسوزی و عشق اهالی این حوزه نباشد این موسیقی به فراموشی سپرده می‌شود. ضمن این که مادر دهه‌های گذشته، آثار فاخری در زمینه موسیقی پاپ داشتیم، چون آهنگسازان چیره‌دستی چون واروژان، ناصر چشم‌آذر، صادق نجوکی و... در این عرصه فعالیت می‌کردند که با وجود آن که جوان بودند و میانگین سنی آنها زیر ۳۰ سال بود توانستند آهنگ‌هایی بسازند که هنوز با گذشت سال‌ها برای شنونده تازگی و زیبایی دارند و قابل شنیدن باشند. در حالی که اغلب آثاری که در موسیقی پاپ امروز تولید می‌شوند نه تنها از این ویژگی‌ها بی‌بهره هستند که شاید فقط بتوان یک بار آنها را گوش داد و حالت یک بار مصرف دارند. آنهایی که سلیقه موسیقایی جامعه را تغییر دادند و در زمانی که می‌توانستند مقابل این جریان سخیف بایستند نسبت به این مسئله سهل‌انگاری کردند، حالا امروز خودشان دارند خسارت‌های ناشی از این بی‌توجهی را پرداخت می‌کنند. وضعیت موسیقی امروز مانند این است که والدینی به فرزند خود غذای فست‌فود بدهند، فقط به خاطر این که ارزان است در حالی که بچه را از غذای سالم محروم می‌کند که در آینده او دچار بیماری‌های جسمی و روحی زیادی خواهد شد. امروز سلیقه شنیداری مردم متأثر از جریان غالب موسیقی پاپ به شدت نازل شده است و نمی‌شود تمام تقصیرات را به گردن مخاطب انداخت، چرا که وقتی موسیقی کیفی زمینه‌ای برای فعالیت نداشته باشد، طبیعی است که موسیقی یکبار مصرف

به اجرای برنامه بپردازد. اگر امروز هر کدام از این امور که نام بردم در ارکستر ملی به آن شکلی که باید اتفاق نیفتاده، به این خاطر است که موسیقی در کشور ما همواره با پستی و بلندی زیادی توأم بوده و طبعاً این شرایط بر روی فعالیت ارکسترها هم تأثیر زیادی گذاشته است. البته معتقدم، امروز به‌رغم تمام مشکلات پیش‌رو، شاهد فعالیت‌های درخشانی از ارکستر ملی هستیم که امیدوارم تداوم داشته باشد.

اغلب هنرمندان حیطه موسیقی اصیل ایرانی معتقدند این حیطه امروز بیش از هر دوره دیگری در سایه قرار گرفته است، این شرایط چقدر هنرمند پر سابقه‌ای مثل شما را آزاده می‌کند؟
این اتفاق که هنرمندی در حال حاضر در محاق قرار گرفته است فقط به موسیقی محدود نمی‌شود، بلکه در شاخه‌های دیگری چون سینما، تئاتر و... هم شاهد چنین وضعیتی هستیم و می‌بینیم که آثاری که می‌توانند حرفی برای آیندگان و دوره‌های آینده باشند و نماینده ملی فرهنگ و هنر کشور خود به شمار بروند، مجال برای فعالیت نداشته باشند. به قول معروف، اهالی این عرصه‌ها خون خور و خاموشند. درباره موسیقی هم همین‌طور است؛ کما این که در گفت‌وگو‌هایی که در سال‌های اخیر در این باره داشته‌ام بارها به این نکته اشاره کرده‌ام که مادر وضعیت آثار شایسته هنری به سر می‌بریم و در این فضا، آنچه بیش از هر چیز دیگری دارد از دست می‌رود کیفیت آثار هنری به ویژه در موسیقی است. همین امروز که شاهد تولیدات انبوه آثاری در موسیقی پاپ و جاز هستیم به خوبی می‌توان به این آثار شایسته هنری پی برد. اکنون آثاری در زمینه موسیقی پاپ تولید می‌شود که اگر اهل فن به واکاوی و نقد و بررسی این آثار بپردازند در می‌یابند که ۹۸ درصد این آثار اصلاً قابل بررسی نیست چه برسد به این که در معرض دید مردم قرار بگیرد. جای تعجب است که اغلب این آثار عمدتاً در زمینه‌های ملودی، شعر، خوانندگی و سایر عناصر موسیقی دچار ضعف هستند و حتی می‌توان

در ابتدای بحث، به فعالیت ارکسترها اشاره‌ای داشته باشیم و این که اساساً فعالیت ارکسترها در این سال‌ها به یمن برگزاری کنسرت‌های متعدد چقدر توانسته جوابگوی خلاءهای موجود در موسیقی فعلی باشد؟

سوالی که مطرح می‌کنید بحث طولانی و گسترده‌ای را می‌طلبد و پاسخ آن در مقاله این گفت‌وگو نمی‌گنجد. ارکسترها به خصوص ارکستر ملی که از آن به عنوان ارکستر فیلارمونیک در کشورهای دیگر یاد می‌شود می‌بایست هر ماه اجراهای تازه‌ای داشته باشد. ولی در کشور ما اصولاً فعالیت ارکسترها اساساً در محاق بوده و کمتر مجال برای فعالیت مستمر آنها فراهم شده است. ارکستر ملی هم در این سال‌ها افت و خیزهای زیادی را پشت سر گذاشته است، بعد از کناره‌گیری استاد فرهاد فخرالدینی از رهبری ارکستر، فعالیت این ارکستر تا مدتی با چالش روبه‌رو شد و با آمدن استاد فریدون شهبازی دوباره این ارکستر فعالیت خود را از سر گرفت و کنسرت‌های خوبی هم اجرا شد. به طور کلی در سال‌های اخیر با حرکت‌های مستمر بیشتری از سوی ارکسترها به ویژه ارکستر ملی مواجه بوده‌ایم. ولی روند منطقی در یک ارکستر این‌طور است که باید در تمام طول سال برنامه داشته باشد. در واقع عملکرد ارکستر ملی هم باید مانند تیم ملی باشد، درست است که بازیکن در باشگاه‌های مختلف کار می‌کند، ولی موظف است در طول هفته تمرینات خود را با مربی داشته باشد. درباره ارکسترها هم به همین شکل است. در کشور ما به دلایل مختلف، ارکسترها نتوانسته‌اند حرکت دائمی و یکسان داشته باشند و گرنه ارکستر ملی مثل ارکستر ملی هم مثل سایر کشورها باید اجرای آثار آهنگسازان پیشکسوت و معاصر را در برنامه‌های خود بگنجانند و نه تنها در پایتخت که در شهرهای اقصی نقاط کشور هم

